

آیا روایت کتاب مقدس درباره روابط جنسی دختران لوط با پدرشان واقعی است؟

نویسنده مقاله: مهران پورپشنگ

مسلمانان ادعا می کنند که کتاب مقدس به لوط پیامبر توهین کرده و روایتی تخیلی و غیرواقعی را درباره روابط جنسی دخترانش با او ذکر نموده است. آنان معتقدند که پیامبران از گناه مبرا هستند و توهین کتاب مقدس به انبیاء به علت تحریف متن است. آیا این ادعای صحیح است؟

برای بررسی ادعای مسلمانان، به کتاب مقدس و هم چنین قرآن رجوع می کنیم تا آنان با نگرش اسلام و دیدگاه کتاب مقدس آشنا شوند:

یک. در قرآن و کتاب مقدس، پیامبران به عنوان بشر معرفی شده اند. آنان مانند همه انسان ها دارای حواس پنجگانه و اعضای بدن هستند. می خورند، می آشامند، خسته می شوند، می خوابند و ازدواج می کنند. بنابراین آنان انسان های بی نیاز و مافوق طبیعی نیستند.

دوم. شخصی که کامل است، نیاز به خدا ندارد. شخصی که مغرور می شود، در جبهه مخالف خدا زندگی می کند. وقتی که غرور وارد می شود، کم کم حس وابستگی و نیاز به خدا از بین می رود، زیرا اساس غرور، خودکامگی و خود محوری است. هر گاه در کتاب مقدس با شخصیتی برخورد می کنیم که سرمست از باده غرور شده است، می دانیم به آخر خط رسیده است.

سوم. طبق نگرش قرآن و کتاب مقدس، افراد در هر مقام و موقعیت باید وفاداری خود را به خدا "ثابت" کنند. هنگامی شما می توانید ادعای وفاداری کنید که قبل از آن فرصت بی وفا بودن داشته اید، ولی خودتان برگزیدید که وفادار بمانید. خدا افرادی را می خواهد که با "خواست و اراده خودشان"، وفاداری خود را ثابت کرده اند و نه این که عده ای کاملاً مقدس را خلق کند.

باید بدانیم خدا کیست؟ انسان کیست؟ ما انسان هستیم. ایمان راستین همیشه مورد آزمایش قرار می گیرد. زیرا ایمانی که آزموده نشده باشد، قابل اعتماد نیست. خدا ما را امتحان می کند تا از ما انسان بهتری بسازد.

چهارم. اگر خدا عده ای را کاملاً مقدس می آفرید، این پرسش برای مردم مطرح می شد که چرا خدا تفاوت و تبعیض قائل شده است؟ چرا من باید برای دست یابی به پاکی و قدوسیت، سعی و تلاش کنم تا مقبول خدا واقع شوم، در حالی که دیگری کاملاً مقدس و کامل آفریده شده؟

پنجم. خوشبختانه کتاب مقدس به نقاط ضعف رسولان و پیامبران اشاره کرده است تا از آن ها بت نسازیم، بلکه تمرکز ما بر خداوند باشد. به یاد داشته باشیم: انسان حاصل هدف خدا و برای هدف خدا به دنیا آمده است. کتاب مقدس، نقاط ضعف پیامبران را مخفی نکرده، بلکه آن را با صداقت بیان نموده

است، چرا که آنان انسان های مافوق طبیعی نبوده اند. پولس رسول چنین نوشت: “ما ضعیف هستیم، لیکن با قوت خدا زیست خواهیم کرد” (دوم قرن تیان فصل ۱۳ آیه ۵). هر گاه احساس ضعف می کنیم، خدا دارد به ما یادآوری می کند که به او متکی باشیم و توکل نماییم.

ششم. برای اثبات این نکته، مثال هایی از قرآن ذکر می شود:
ناطاعتی حضرت آدم

“انگاه از آن (درخت ممنوع) خوردند و برهنگی آنان بر ایشان نمایان شد و شروع کردند به چسبانیدن برگ های بهشت بر خود و (این گونه) آدم به پروردگار خود عصیان ورزید” (سوره طه آیه ۱۲۱).

نوح پشیمان شد و توبه کرد

“پروردگارا بر من و پدر و مادرم و هر مومنی که در سرایم درآید و بر مردان و زنان با ایمان ببخشای” (سوره نوح آیه ۲۸)

“ای نوح، بدان که علم نداری. از من مخواه من به تو اندرز می دهم که مبادا از نادانان باشی. (نوح) گفت پروردگارا، من به تو پناه می برم که از تو چیزی بخواهم که بدان علم ندارم و اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی از زیانکاران باشم” (سوره هود آیات ۴۶-۴۷).

شک و تردید ابراهیم

خدا از ابراهیم پرسید: “مگر ایمان نیاوردی؟” (سوره بقره آیه ۲۶۰)
توبه ابراهیم

“آن کس که امید دارم روز پاداش گناهم را بر من ببخشاید (سوره شعرا آیه ۸۲)

“پروردگارا روزی که حساب برپا می شود بر من و پدر و مادرم و بر مومنان ببخشای” (سوره ابراهیم آیه ۴۱)

موسی

موسی شخصی را کشت و از خدا تقاضای عفو و بخشش کرد (سوره قصص آیات ۱۵-۱۶).
“موسی گفت پروردگارا من و برادرم را بیمارز و ما را در (پناه) رحمت خود در آور” (سوره اعراف آیه ۱۵۱)

داود

داود پادشاه توبه کرد و خدا به او هشدار داد که از هوس ها دوری گزیند (سوره ص آیات ۲۴-۲۵)
سلیمان

خدا سلیمان را آزمایش کرد و او توبه کرد (سوره ص آیات ۳۴-۳۵)

یونس

روایت قرآن و کتاب مقدس یکسان است: یونس از خدا ناطاعتی کرد و با کشتی گریخت. دریا طوفانی

شد. ملوانان قرعه انداختند که به نام یونس درآمد. پس او را به دریا انداختند و ماهی بزرگ او را بلعید. یونس در شکم ماهی توبه کرد (سوره صافات آیات ۱۳۹ - ۱۴۲)

هفتم. در کتاب مقدس، لوط به عنوان پیامبر معرفی نشده است. لوط فقط برادر زاده یتیم ابراهیم بود. کتاب مقدس گزارش می دهد که خدا همان طور که ابراهیم را برکت داد، لوط را نیز برکت داد. لوط صاحب گله و رمه و چوپانان گردید. تا این که میان چوپانان ابراهیم و لوط نزاع و مشاجره به پیش می آید (پیدایش فصل ۱۳).

ابراهیم برای حل مشکل و برقراری صلح تصمیم گرفت که لوط چراگاه خود را انتخاب کند و از ابراهیم جدا شود. انتخاب لوط معرف شخصیتش بود. او منطقه ای را برای چراگاه انتخاب کرد که بت پرستان در آن جا سکونت داشتند. برای لوط، علوفه گوسفندان مهم تر از مشارکت با خدا بود. او در منطقه ای ساکن شد که در آن جا شرارت و همجنس گرایی امری رایج و متداول بود.

اما ابراهیم از بت پرستان دوری گزید و خدا او را بسیار برکت داد. برعکس، لوط دچار مخمصه شد. ابتدا پادشاه عیلام به محل سکونت لوط حمله کرد و او و بسیاری را برای بردگی به اسارت برد. ابراهیم این خبر را از طریق یکی از بازماندگان شنید و برای نجات لوط و شهروندان سدوم به سپاه عیلام حمله کرد. حمله شبانه انجام گرفت و نیروهای ابراهیم از چهار سو به دشمن یورش بردند. خداوند اجازه داد تا ابراهیم در این نبرد پیروز شود و لوط آزادی خود را همراه با اعضای خانواده و اموالش به دست آورد (پیدایش فصل ۱۴).

مدتی بعد، خدا به ابراهیم اطلاع داد که می خواهد شهرهای سدوم و عموره را نابود سازد. دعای شفاعت و میانجیگری ابراهیم سبب شد تا لوط و خانواده اش مورد غضب خدا قرار نگیرند (پیدایش فصل ۱۸).

دو فرشته برای نجات لوط، عازم شهر سدوم می شوند. مردان همجنس گرا در مقابل خانه لوط تجمع می کنند و تهدید می کنند که اگر او مهمانانش را تحویل ندهد به خانه یورش می برند. لوط تصمیم می گیرد که دخترانش را به جای مهمانان در اختیار ازازل و اوباش بگذارد (پیدایش فصل ۱۹ آیات ۶ - ۷). عمل عرضه کردن دختران به جمعیت فاسد در قرآن نیز ذکر شده:

لوط تصمیم داشت دخترانش را در اختیار اوباش و ازازل بگذارد تا آنان مزاحم مهمانانش نشوند (سوره هود آیات ۷۷ - ۷۹). در سوره حجر آیه ۷۱ لوط گفت: "اگر می خواهید انجام دهید، اینان دختران منند"

.He said: Here are my daughters, if ye must be doing

در متن فارسی در پرانتز تفسیر شده که با دخترانم ازدواج کنید. اما در متن عربی و انگلیسی چنین نکته یا تفسیری مشاهده نمی شود.

وظیفه لوط به عنوان پدر، محافظت از خانواده از خطر و بی حرمتی بود. اما در نظر لوط، مهمان نوازی مهم تر از حقوق زنان بود!

رسم بت پرستان آن بود که صاحب خانه از طریق تعویض دختر یا کنیزش، از جان مهمانانش محافظت

کند. چرا لوط به رسوم بت پرستان احترام می گذاشت؟ پیشنهاد هولناک لوط نشان می دهد که گناه تا چه حد در زندگی او نفوذ کرده بود. به جای آن که لوط بر محیط و جامعه تاثیر بگذارد، اجازه داده بود محیط، زندگی او را شکل دهد. اگر زندگی لوط توسط خدا تغییر کرده بود، جامعه او نیز از اعمال گناه آلود، به خداپرستی و اخلاق گرایی تغییر می یافت.

کتاب مقدس گزارش می دهد که نامزدهای لوط به خدای حقیقی ایمان نداشتند و هشدار او را تمسخر کردند (آیه ۱۴). لوط و خانواده اش از شهر گریختند. خداوند از آسمان، گوگرد مشتعل بر سدوم و عموره بارانید آن منطقه را کاملاً نابود کرد. زن لوط برگشت تا به شهر سدوم که در آتش می سوخت، نگاه کند. او در آن شهر در رفاه و آسایش می زیست. زن لوط به گذشته چسبیده بود. اما ناگهان او به ستونی از نمک مبدل گردید (فصل ۱۹ آیه ۲۶).

اکنون لوط، زن و اموالش را از دست داده بود. او با دخترانش به غاری در کوهستان پناه بردند. اما ماجرای غم انگیز و اسفبار هم چنان ادامه یافت. دختران لوط برای حفظ نسل شان تصمیم گرفتند با پدرشان همبستر شوند. دختر بزرگ به خواهرش گفت: ”در تمامی این ناحیه، مردی یافت نمی شود تا با ما ازدواج کند...“ (آیه ۳۱) و بدین ترتیب نقشه شرم آور خود را اجرا کردند. آن دو، پدرشان را مست کردند و با او همبستر شدند. آن ها این کار را به خاطر شهوت نکردند، بلکه به علت ناچاری، تا نسلی از خود باقی بگذارند.

اگر لوط شوهرانی مناسب برای دخترانش پیدا می کرد، این اتفاق شرم آور رخ نمی داد. در این ماجرا، دختران مقصر اصلی بودند که تحت تاثیر رسم رایج بت پرستان، با پدر خود همبستر شدند. این امر نشان می دهد که دو دختر، بی بند و باری رایج در شهر سدوم را قبول داشتند.

موآب و بن عمی، ثمره زنای دختران لوط با پدرشان بودند (آیات ۳۷ - ۳۸). نسل این دو پسر (موآبیان و عمونیان) بعدها به دشمنان سرسخت اسرائیل تبدیل شدند. عمونی ها یکی از وحشیانه ترین اشکال بت پرستی یعنی پرستش مولک را ابداع کردند. والدین، برخی از نوزادان خود را به عنوان قربانی برای مولک می کشتند.

موآبیان نیز کوشیدند تا قوم اسرائیل را به پرستش بت بعل فغوره وادار کنند و آن ها را به فساد جنسی آلوده سازند (اعداد فصل ۲۵). ثمره زندگی لوط با بت پرستان سبب شد تا نسل او نیز فاسد و بت پرست باقی بماند. اگر لوط پیامبر بود، چرا نسل او بت پرست شدند؟

